

شهر آرا محله

روایتی از آماده باش نیروهای خدمات شهری
در زمستان

نگاهی به پیام‌های مردمی ۱۳۷ در ۲ محله شهید قربانی ورده

دانش آموزان برای افتتاح بزرگ‌ترین مجموعه ورزشی
محله لحظه شماری می‌کنند

زندگی نارنجی پوش هادر سرمای صفر درجه

غافلگیری و هیجان انگیزی اش برای ماست، وقتی بخار لیوان چایمان با رطوبت
نشسته بر شیشه اتاق یکی می‌شود...

کار شهر روی زمین نمی‌ماند

۱۳۷ راباید سامانه‌ای شهروند محور و حرکتی نوین در شهرداری هادانست که موجب شده
است بسیاری از مشکلات شهروندان در حوزه مسائل شهری حل شود. اگر تا دیروز هر
شهروندی مجبور بود برای پیگیری آسفالت کوچه، آب گرفتگی جلوخانه یا...

شمارش معکوس برای ورزشگاه «بابک مروج»

هیجان در صورت پسرک نه‌ساله موج می‌زند. لحن صدایش را شبیه مجری‌های
ورزشی تلویزیون می‌کند و...



«انجمن حامی» محله اینثار با هدف حمایت از مهاجران فعال است

افت همسایگی



shahraranews.ir

برگزاری جلسه مشترک شهرداری منطقه با سازندگان و دفاتر تسهیلاتی

از پشت خنجر نزنیم

حرف اول



فاطمه سیرجانی خبرنگار شهرآرا محله

در روزهایی که ناامیدی مثل گوگردوسرب در فضای آسمان معلق است و نفس کشیدن سخت، در روزهایی که تیرتیر بیشتر روزنامه‌ها شرمساری و بخشندگی برای واقعه تلخ هواپیمایی است و یادزهرهای آن به همه جا رسیده است، انتظار نداریم کسی به ما رسانه اعتماد کند و حرفش را برای شنیدن پیش مایبورد.

اعتماد ظرف شکسته نیست که بتوان بندش زد و دوباره به دست گرفت و استفاده‌اش کرد. با همکارم در حال گفت‌وگو در رابطه با این مبحث هستیم که هیبت پیر مردی از پشت پنجره اتاقمان ظاهر می‌شود. دستانش را ۲ طرف صورت گذاشته است و صورتش را به شیشه می‌چسباند تا از پنجره بخار گرفته داخل را بهتر ببیند. به احترام موی سپید و پشت خمیده‌اش از صندلی بلند می‌شویم و به داخل دعوتش می‌کنیم.

دست‌هایش در سر مای هوا سرخ شده است و می‌لرزد. صدایش هم ارتعاش دارد. دست در جیب بغل‌کت مندرسش می‌کند و چند برگه ریز در دست در می‌آورد. برگه‌ای با سر برگ بانک که چند شماره و نشانی رویش نوشته شده است.

در کلاتسری، پلیس فتا و... چقدر به دنبال ۷ میلیون بر باد رفته‌اش دویده است. می‌گوید: «همه دارایی و سر مایه‌ام بود و با نامردانی از چنگم بیرون کشیدند.» تعریف می‌کند: «حافظه خوبی ندارم، خیلی هم فراموش‌کارم. به همین علت رمز کارت عابر بانکم را پشت آن نوشته بودم تا کار آسان شود.

فکر نمی‌کردم کسی به رسم دوستی و رفاقت در حجره‌ام پای بساط چای بنشیند و جیبم را بزند. تا به حال این طور نامردی ندیده بودم!» هنگام تعریف صدایش می‌لرزد، اما دوست دارد ماجرا را تمام و کمال تعریف کند. گاهی بین حرف‌هایش وقفه می‌افتد: «پای رفتن به جایی را ندارم. تنها همدم رادیو قدیمی گوشه مغازه است. از همان قدیم هنگام کار کردن برنامه‌ها و بیشتر اخبار را دنبال می‌کردم. سرگرمی و همراه خوبی است. حجره‌ها را سوت‌وکوری بیرون می‌آورد. نگفتم، کارم تعمیرات کفش است. حالا که بازارش خوابیده است، کسی برای تعمیر کفش ندارد. آدم‌های حالا زود به زود کفش می‌خرند، اما مشتری باشد یا نه در مغازه باز است و خیلی‌ها می‌آیند و می‌روند. آشنا و غریبه فرقی نمی‌کند، همه اهل یک محله و با هم همسایه‌ایم. به آن‌ها اعتماد می‌کنم و از همه چیز حرف می‌زنم. آدم‌ها محرم‌راز هم‌دیگرند. چه می‌دانستم این وسط نارفیق هم زیاد است. سادگی کردم، ماجرای پس اندازم را تعریف کردم. دلم به همین خوش بود که سر پیری دستم جلو کسی دراز نمی‌شود. قدیم این حرف‌ها نبود. اصلاً خانه‌ها در و جفت و پستی نداشتند. آدم‌ها، آدم‌های درستی بودند. این را که می‌گویم خدای ناکرده به شما بر نخورد، ولی من اعتماد کردم، چه می‌دانستم نارفیقی که محرم دلم حسابش کردم، نمک می‌خورد و نم‌کدان می‌شکند. چه می‌دانستم در این دنیا آدم‌ها تا این اندازه نامرد شده‌اند که از دسترنج پیر مرد پنه‌دوز هم نمی‌گذرند، چه می‌دانستم...»

پیر مرد دست‌هایش می‌لرزد و با همان دستان لرزان اشک گوشه چشمش را پاک می‌کند و می‌گوید: «همه جا رفته‌ام، کلاتسری، بانک، پلیس فتا و... اما به نتیجه نرسیده‌ام. گفتم شاید شما بتوانید کمک کنید. شاید...»

خدا خدایم کنیم این حرف‌ها واقعیت نداشته باشد، اما هست و اتفاق افتاده است و محال نیست که باز هم اتفاق نیفتد. برای کشتن آدم‌ها احتمالاً لازم نیست اسلحه به درازید و دست به قلمه شوید و سر بپزید و... آدم‌ها را خیلی سساده و راحت می‌توان کشت. حتی می‌توان چنان‌جا که کشتن آن‌ها آرزوی مرگ کنند.

راه‌درازی دارم تا یاد بگیریم وقتی کنار هم در همسایگی هم زندگی می‌کنیم و حتی وقتی در فضای مجازی با هم هستیم، امانت‌دار باشیم. پاسخ اعتماد از پشت خنجر زدن نیست. این کارها را نکنیم. این مسیر مانده زندگی و سنگ‌لاخ‌هایی که پیش روست را با نفرت پر نکنیم. امین هم‌دیگر باشیم. خوش‌حالیم هنوز هم کسی در شهر آرا محله را می‌زند تا حرف‌هایش را با رسانه خودش در میان بگذارد. ممنون از اعتماد شما.

به راحتی می‌توان با گرفتن یک شماره مشکل خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن حل کرد



۱۳۷۱ را با یاد سامانه ای شهر و نند محور و حرکتی نوین در شهرداری‌ها دانست که موجب شده است

بسیاری از مشکلات شهروندان در حوزه مسائل شهری حل شود. اگر تا دیروز هر شهروندی مجبور بود برای پیگیری آسفالت کوچه، آب‌گرفتگی جلو خانه یا درخت خشکیده‌ای که در در سراز شده است به شهرداری مراجعه کند و اسیر سامانه‌های اداری شود، امروز به راحتی می‌تواند با گرفتن یک شماره مشکل خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن حل کند و جالب اینکه سامانه به صورت مستقیم با مدیران شهری ارتباط دارد، یعنی هر پیام مستقیم به مدیر مربوط می‌رسد.

احمد رضایی، سرپرست اداره ارتباطات شهرداری مشهد، با اشاره به این موضوع که سامانه ۱۳۷ به منظور کنترل، هدایت و سامان‌دهی معضلات شهری شکل گرفته است و با شعار مشارکت از شما و خدمت از ما ارائه خدمات می‌کند، گفت: قسمت عمده‌ای از مشکلات مردمی از طریق تماس با این

نگاهی به پیام‌های مردمی ۱۳۷ در ۲ محله شهید قربانی ورده

کار شهر روی زمین نمی‌ماند

چند دسته تقسیم می‌شوند، پیام‌هایی که امکان پیگیری دارند و حتماً پیگیری می‌شوند، پیام‌هایی که بنا به دلایلی که آن هم مشخص است، امکان پیگیری ندارند و پیام‌هایی که به موضوعاتی مرتبط می‌شوند که حل و فصل آن‌ها نیازمند زمان و مهلت مشخص است.

رضایی با این توضیح اعلام کرد: بیشتر شهروندان از انجام‌ندادن کار در حوزه‌های عمرانی گل‌مند هستند، در حالی که برخی از آن‌ها درخواست‌هایی دارند که کارشناسی نیست.

ساخت و ساز و نظافت مشکلات محله قربانی

به گفته سرپرست اداره ارتباطات شهرداری مشهد بیشترین پیام‌های دریافتی منطقه ۴ به ترتیب مربوط به ناحیه ۳ با ۵۴ درصد، ناحیه یک با ۲۵ درصد و ناحیه ۲ با ۲۱ درصد است.

رضایی گفت: بنا بر انتخاب شورای اجتماعی محلات مهم‌ترین موضوعات و مشکلات مربوط به ۲ محله شهید قربانی ورده (میثم) انتخاب شده‌اند.

وی افزود: در محله شهید قربانی از میان ۱۷۷ پیام رسیده، ساخت و ساز و رفت و روبر و سد معبر بیشترین فراوانی را داشته‌اند.

سامانه حل و فصل می‌شود و خوشبختانه مردم ارتباط خوبی با آن گرفته‌اند، با این همه باز هم برخی از شهروندان و هم‌محللی‌ها به ویژه در این مناطق از عملکرد و وجود این سامانه بی‌خبرند.

● **۵۰۰۰ پیام در ۹ ماه**
وی با اشاره به این موضوع که آمار رسیده از اهالی ساکن محلات منطقه ۴ شهرداری در نه ماهه اول سال بیش از ۵۰۰۰ پیام است که در حوزه‌های ساخت و ساز، رفت و روبر، نظافت و آسفالت تقسیم می‌شود، بیان کرد: این اطلاعات آماری در بازه زمانی اول فروردین ماه تا ۳۰ آذر ماه امسال انجام شده است.

رضایی به منظور اطلاع بیشتر شهروندان در رابطه با پیگیری و رسیدگی به مشکلات اعلام شده به سامانه ۱۳۷ یادآور شد: اپراتور پیام‌ها را بلافاصله ابلاغ می‌کند و پیام‌های ابلاغ شده در هر ساعت از شبانه‌روز و با توجه به اولویت آن اقدام فوری و مقتضی می‌شود، اما با توجه به نوع پیام زمان رسیدگی تفاوت دارد.

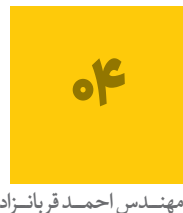
● **پیام‌ها اولویت بندی می‌شوند**
وی اظهار کرد: پیام‌های دریافتی سامانه به

آماده باش ۳۰۰ نیرو در روزهای برفی

به منظور سهولت در تردد شهروندان و ممانعت از حوادث احتمالی ۱۶ خودرو و دستگاه برف‌روب با اولویت پاک‌سازی معابر اصلی منطقه ۴ در حال فعالیت بودند، یادآور شد: در این عملیات برای جلوگیری از یخ‌زدگی معابر از ۴۰۰ کیسه نمک استفاده شد. وی از فعالیت ۳۰۰ نیروی خدمات و محیط‌زیست شهری شهرداری یاد کرد که به صورت شبانه‌روزی در ۲ نوبت فعال بودند.

معاون اجرایی شهردار منطقه گفت: از ساعت‌های اولیه بارش باران و برف در مشهد، تمامی نیروها، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برف‌روب منطقه به حالت آماده‌باش درآمدند.

مهندس احمد قربانزاده با اشاره به این موضوع که



به قلم دوربین

دریافتی



● **رسیدگی به ۶۷ درصد از پیام ها**
 رضوانی یادآور شد: ۶۰ درصد از پیام ها به حوزه حمل و نقل و ترافیک و موضوعاتی چون نصب سرعت کاه و علائم ترافیکی مربوط می شود و ۴۰ درصد در حوزه خدمات شهری است که موضوعاتی چون احداث فضای سبز و جانمایی باکس زباله را در بر می گیرد، در حالی که ۶۷ درصد از این پیام ها رسیدگی شده است و ۲۲ درصد امکان رسیدگی نداشته است.
 وی درباره دلایل موضوعات اقدام نشده هم توضیح داد: نبود امکانات از جمله مسائلی است که گاهی انجام کار را به تعویق می اندازد.

● **ساخت و ساز از پرتکرارترین درخواست ها**
 رضوانی در ادامه با بررسی پیام های رسیده محله رده به سامانه که شامل ۲۷ پیام است، اعلام کرد: در این محله هم پرتکرارترین درخواست ها ساخت و ساز و آسفالت است. ۶۵ درصد از پیام های مردمی ارسال شده اقدام شده است، ۹ درصد از این درخواست ها در دست اقدام است و ۴ درصد هم اقدام نشده است. وی یادآور شد: نصب سرعت کاه در این محله هم یکی از موضوعات درخواستی مردم است. سرپرست اداره ارتباطات شهرداری مشهد همچنین اعلام کرد: در این محله و با انتخاب شورای اجتماعی محلات ۲ محله معرفی شده اند، اما به دنبال رصد پیام های محلات دیگر این منطقه هم هستیم.



پاسخ رئیس بیمارستان هاشمی نژاد به تأخیر امداد رسانی اورژانس

اعزام آمبولانس برعهده دانشگاه علوم پزشکی است

● **باتوجه به حساسیت شدید مراقبت های پزشکی در بخش اورژانس، خدمات تعریف شده برچه اساس است؟**

بیماران اورژانسی براساس سطح بندی تریاژی که در دنیا مرسوم است، به ۵ سطح تقسیم بندی می شوند. بیماران بسیار بد حال که نیاز به احیاء دارند، در سطح یک قرار می گیرند. این دسته در اولویت خدمات پزشکی قرار دارند. ۴ سطح بعدی وارد اتاق تریاژ می شوند و پرستار تریاژ آن ها را براساس وضعیت جسمانی بیمار و میزان خدماتی که لازم است به سطح ۲ تا ۵ طبقه بندی می کند. پزشک باید بیمار اورژانسی سطح ۲ را در ۱۰ دقیقه معاینه کند. سطح ۳ بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه و سطح ۴ بین ۴۵ دقیقه تا ۲ ساعت معاینه می شود و تحت مراقبت قرار می گیرد. نکته مهمی که لازم است عموم مردم به آن توجه کنند، درباره بیماران سطح ۳ و ۴ است. این بیماران اگر چه در بازه زمانی تعریف شده و حتی کوتاه تر ویزیت می شوند، اما چون باید فقط زیر نظر باشند، در بخش اورژانس نگه داشته می شوند. به عنوان مثال کسی که به سبب ضربه به سر، شکم، قفسه سینه و... به بخش اورژانس آورده می شود، دست کم باید بین ۴ تا ۶ ساعت در این بخش زیر نظر باشد. اگر علامت بعدی مثل کاهش هوشیاری، سرگیجه و... را نداشت و مشکل خاصی نبود، مرخص می شود. حال همراهان بیمار ممکن است تصور کنند کادر درمانی اهمال کاری می کنند و توجهی به بیمار آن ها ندارند. ما از بیمار و همراهان انتظار داریم در این مواقع سعه صدر بیشتر داشته باشند و با حفظ آرامش کادر درمانی را در انجام وظایف خود کمک کنند. انتظار داریم به تجربه پزشکان و پرستاران بخش اورژانس ما اعتماد کنند.

به ۲ بخش اورژانس سوانح و اورژانس مرکزی داریم.

● **یکی از موضوعاتی که شاید در بین مردم نارضایتی ایجاد کرده است، مسئله زمان و لزوم سرعت عمل در مواقع اورژانسی است. نمی خواهید از خودتان دفاع کنید؟**

مسئولیت اعزام آمبولانس به صحنه حوادث برعهده مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی است. در واقع اورژانس پیش بیمارستانی، مصدوم یا بیمار را به ما تحویل می دهد و ما نقشی در اعزام اورژانس و درخواست های مردمی نداریم. خودروهای اورژانسی که در بیمارستان مستقر هستند، اورژانس های بین بیمارستانی هستند که بیمار یا مصدوم را در صورت ضرورت به دیگر بیمارستان های شهر منتقل می کنند.

● **به لحاظ ترافیک کاری چه ساعتی اوج ورودی به بخش اورژانس است؟**

در برخی ساعات و حتی فصول سال آمار پذیرش در بخش سوانح و مرکزی به شدت بالاست، به عنوان مثال ساعات ابتدایی صبح که بیشتر افراد به سمت محل کارهایشان در تردد هستند. همچنین در ۹ ماه سال تحصیلی از ساعت ۱۲ ظهر تا ۳ بعداز ظهر که تردد سرویس مدارس، کارمندان و... بیشتر است، این آمار بالاست. در فصول سرد سال نیز به علت بارندگی و یخبندان آمار پذیرش در بخش سوانح به سبب تصادفات و همچنین شکستگی و ضرب دیدگی های ناشی از زمین خوردن افزایش می یابد. براساس آمار بیش از ۶۰ درصد پذیرش اورژانس های هاشمی نژاد به بخش سوانح و بقیه آن به بخش اورژانس مرکزی بر می گردد.

یکی از بخش های حساس و حیاتی مراکز درمانی و بیمارستانی واحد اورژانس است. تصادفات ناشی از رانندگی، مسمومیت ها، جراحات های ناشی از

درگیری، وضعیت های حیاتی و حساسی که بر اثر بروز برخی بیماری ها چون سکته قلبی، سکته مغزی و... ایجاد می شود، از علت هایی است که می تواند فردی را در وضعیت اورژانسی قرار دهد. بیمارستان هاشمی نژاد در همسایگی ما تنها بیمارستان دولتی در شمال شرق مشهد است که اورژانسش همیشه شلوغ است. برای اطلاع بیشتر از خدمات ارائه شده در این بخش با دکتر سید محمد موسوی، رئیس بیمارستان، هم کلام شدیم.

● **آقای دکتر چرا اورژانس بیمارستان هاشمی نژاد همیشه شلوغ است؟**

در مشهد ۳ بیمارستان هاشمی نژاد، کامیاب و طالقانی خدمات امدادی اورژانس ارائه می دهند. بیمارستان هاشمی نژاد در این ناحیه جغرافیایی کلان شهر مشهد، تنها بیمارستان دولتی و دانشگاهی با تعرفه های دولتی است. باتوجه به موقعیت مکانی این مرکز درمانی بیش از ۳۷ درصد مصدومان ترافیکی به این بیمارستان منتقل می شوند. گستردگی حاشیه شهر مشهد، نزدیکی به کمربندی صدمتری، تراکم جمعیتی این منطقه و... از دلایل حجم بالای مراجعه ها به بیمارستان هاشمی نژاد است. همچنین مصدومان جاده های سرخس، کلات، فریمان، میامی و... به واسطه نزدیکی به بیمارستان هاشمی نژاد، به این مرکز درمانی آورده می شوند. به طوری که روزانه حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ مراجعه کننده





«انجمن حامی» محله ایثار با هدف

الفت

گل دفتر

۵۴

فاطمه سیرجانی
معصومه فرمانی کیا

ماجرای مهاجران برای ما تازگی ندارد. حدود چهار دهه پیش و در روزهایی که شعله‌های جنگ در مرزهای غربی با دشمن یعنی آغاز شده بود، جنگ داخلی افغانستان و نبرد با شوروی مهاجران زیادی را از مرز شرقی روانه ایران کرد. مهاجرانی که به سمت ما

آمدند در همه جای کشور فرصت اول کشوری خواستار دقت بیشتر افغانستانی‌هایی که به کشور ما روزبه‌روز ویران‌تر می‌شد، سختی در کشور ما ماندند و ریشه‌دواند قابل اعتماد و اطمینان‌اند.

استقبال کردند.

پس از بررسی و صحبت‌های انجام شده با توجه به فراوانی برخی آمارها چون طلاق، در بین آن‌ها متوجه شدیم مشکلات زنان مهاجر در حوزه مسائل اجتماعی کم نیست. سال ۹۰ که بنا به تحقیقات، خشونت‌های خانگی در جامعه مهاجر بسیار زیاد بود، طرحی به نام تسهیلگر خانوادگی را اجرا کردیم. در تهران و مشهد متوجه شدیم که خشونت‌های فیزیکی و روانی در بین آن‌ها زیاد است.

● تسهیلگری در خانواده

سبزه‌کار در ادامه صحبت‌هایش می‌آورد: «مادران هم جزئی از خانواده و اجتماع هدف ما هستند و باید در این راستا هم کاری انجام می‌دادیم. اوایل و در شروع کار از مادرانی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند و برای ثبت نام کودکانشان می‌آمدند، خواستیم که خودشان هم در نهضت ثبت نام کنند و شرط هم گذاشتیم که ثبت نام دانش آموز مشروط به ثبت نام مادر بود، اما بعدها خودشان

● اتفاقی که دور از باور بود

او ادامه می‌دهد: «سال اول که فراخوان زدیم، همراهی زیاد نبود. خانواده‌ها باور نداشتند کسی در کشور همسایه بخواد به فکر جمعیت مهاجر باشد و خدمات تحصیلی رایگان بدهد. علاوه بر این خانواده‌ها به لحاظ اقتصادی در تنگنا هستند و مشکل دارند و به همین علت اولویتشان موضوعات دیگری به جز تحصیل است. دور از باور بود در کشوری که به صورت موقت میهمان آن هستند، مرکزی خدمات رایگان و بدون نگاه ملیتی در حوزه تحصیل داشته باشد. بعضی‌ها در همان ابتدا موضع می‌گرفتند.

بچه‌هایی که در محیط‌های بسته بزرگ شده بودند و حساسی دور خود داشتند، نمی‌خواستند با ما به عنوان یک غریبه راحت ارتباط برقرار کنند یا بهتر بگویم ترس داشتند، اما این مانعی برای انجام کار نبود. از مناطقی شروع کردیم که تمرکز و استقرار مهاجران در آن محدوده بیشتر بود. گلشهر، پنجتن، طرق، ساختمان و همه محدوده‌هایی که گمان می‌کردیم خانواده‌های مهاجر ساکن باشند. اولین قدم شناسایی آن‌ها بود و مرحله بعد دعوت و شرکت در کلاس‌ها بود.

جلب اعتماد و رضایت آن‌ها خیلی راحت نبود، با این حال ۸۰ دانش آموز ۸ تا ۱۸ سال کلاس‌ها شدند. آن‌هایی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند. سال دوم ۲۰۰ داوطلب شدند. این آمار در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ بیش از ۴۰۰ دانش آموز شد که در این مجموعه آموزش دیدند.»

● ورود دانش آموزان به اجتماع

این فعال فرهنگی در ادامه می‌گوید: «دانش‌آموزانی که روابط اجتماعی ضعیفی داشتند و نمی‌توانستند راحت ارتباط بگیرند و حرف بزنند تا چند هفته بعد از ورود به مجموعه حتی سلام کردن و جواب دادن برایشان سخت بود و در برابر هر سؤال فقط خیره می‌شدند و نگاه می‌کردند، اما همین کودکان چنان شدند که در پایان سال وقتی کلاس و مدرسه تمام شد و فصل تعطیلات بود، با گریه از ما جدا می‌شدند. کسانی که روز اول این بچه‌ها را دیده بودند، برایشان این باور پذیر نبود و می‌پرسیدند این‌ها همان بچه‌های گوشه‌گیر و منزوی روز اول هستند؟»

وی ادامه می‌دهد: «هر چه ارتباط در این حوزه بیشتر می‌شد، مشکلات کم‌کم خودشان را نشان می‌دادند. تعدادی از آن‌ها چند سال در یک کلاس مانده بودند. به عنوان مثال دانش‌آموزی بود که ۳ سال فقط کلاس اول را می‌خواند.

شرایط جانی را بررسی و پیگیری کردیم و متوجه شدیم معلم‌ها خدمت آموزشی ندیده بودند و شرایط نامساعدی برای آموزش بود. این موضوعات دل‌سردی و دل‌زدگی از تحصیل را همراه داشت. سعی کردیم نقاط ضعف را برطرف کنیم. دانش‌آموزان از اول تا ششم در همین جا آموزش می‌بینند و درس می‌خوانند، بعد از پایه ششم اگر مدارک اقامتی‌شان درست شده باشد، می‌توانند به مدارس خودگردان یا مؤسسات خصوصی بروند و آموزش ببینند و بعد آزمون تعیین سطح آموزش و پرورش می‌دهند و روال عادی تحصیل را طی می‌کنند. تاکنون بیش از ۵۰۰۰ خانواده را زیر پوشش قرار دادیم. برای همه اعضا کلاس می‌گذاریم، اما هنوز بعضی مشکلات وجود دارد، مثل سن بالا، یعنی دانش‌آموز سیزده‌ساله هنوز در پایه اول است.»

● یک مجموعه پر از فعالیت

اولین بار است که مسیرمان به مجموعه‌ای همان ابتدای علمیردانی که بیش از ۱۰ سال پیش پا گرفته است، می‌خورد که اقدامات زیادی را در رابطه با مهاجران انجام می‌دهد، «انجمن حامی».

این موضوع برمی‌گردد به ایجاد یک تشکل مردم‌نهاد در تهران که شعبه‌های آن در مشهد، سمنان، قم و اصفهان هم پا گرفت، شهرهایی که انجمن مردمی در آن‌ها فعالیت می‌کند. شنیده بودیم این مرکز مجموعه‌ای آموزشی است در چند پایه تحصیلی، اما فضا بیشتر به منزل مسکونی شباهت دارد.

از در طوسی‌رنگ که وارد می‌شویم، چند پله است و بعد دختران و پسران قدونیم‌قد با لباس‌های یک‌شکل تداعی‌کننده همان فضای مدرسه‌ای پر انرژی خودمان است. کودکان در این میان سرحال‌ترند، آن‌هایی که زادگاهشان همین آب‌و‌خاک خودمان است، اما پدران و مادرانشان نمی‌خواهند فراموش کنند که به کجا تعلق دارند، شاید برای همین است که متولیان با لهجه شهرشان حرف می‌زنند.

صدای تکرار جدول ضرب از اتاقی در سمت چپ راهرو به گوش می‌رسد. اتاق‌ها حکم کلاس را دارند. سرجمعشان که کنیم چند کلاس بیشتر نمی‌شوند. از در نیمه‌باز کلاسی دیگر صدای معلمی میان‌سال می‌آید که الفبای فارسی را برای سوادآموزان هجی می‌کند.

خیلی‌ها در رفت‌وآمد هستند و کارهای اجرایی مجموعه را انجام می‌دهند. از بیرون اصلاً به نظر نمی‌آید که پشت دیوارها و در مجموعه‌ای به این کوچکی این همه فعالیت در جریان باشد. یکی که فرصتی برای حرف زدن ندارد، خیلی کوتاه توضیح می‌دهد: «انجمن یک مجموعه فرهنگی است که بخش‌های مختلفی را شامل می‌شود. شروع فعالیت مجموعه از جای دیگر کلید خورده است، از انجمنی مردم‌نهاد در تهران.»

● تحولی که اتفاق افتاد

فاطمه سبزه‌کار، مدیر انجمن حامی مشهد، خوش‌رو و مهربان است و خیلی راحت ارتباط می‌گیرد. سال‌های سال در دانشگاه فردوسی مشهد عهده‌دار فعالیت‌های فرهنگی بوده است و بعد هم پیشنهاد مدیریت این مجموعه را می‌پذیرد.

مهاجر نیست، اما هم‌وغمش به مشکلات آن‌ها بازمی‌گردد، به ویژه در حوزه سوادآموزی و می‌گوید: «انجمن به همین بهانه پا گرفت، اما رفته‌رفته فعالیت‌های دیگر هم به آن اضافه شد و حالا در زمینه کارآفرینی هم

پویاست. به این‌ها برنامه‌های فرهنگی دیگر را هم اضافه کنید.»

برای توضیحات بیشتر او را به اول مهاجران برمی‌گردانیم و او شروع به تعریف می‌کند: «جامعه آماری افغانستانی‌ها جمعیتی حدود ۳۰۰ هزار نفر در خراسان را شامل می‌شود که نیمی با مدرک و نیمی بی‌هویت

هستند. اولین فراخوان‌ها در حوزه دعوت به سوادآموزی بود و به سال ۸۸ برمی‌گردد، اما هر چه زمان می‌گذرد این حلقه وسیع‌تر می‌شود و استقبال بیشتر، حالا متولیان به یقین رسیده‌اند با حرکتی که در راستای حمایت تحصیلی از مهاجران آغاز کرده‌اند، توانسته‌اند تحولی بزرگ را ایجاد کنند.»



دکتر اشرفی بنیان‌گذار مرکز خدمات اجتماعی در توضیح چگونگی آغاز فعالیت‌های مجموعه گفت: فعالیت اولین دفتر که در تهران کلید خورد، با استقبال زیادی روبه‌رو شد و این نشان داد که در این زمینه نیاز به انجام کار بیشتر است.

در ادامه درخواست‌هایی از استان خراسان رضوی و شهر مشهد بود که با توجه به پراکندگی جمعیت مهاجران در این منطقه و مناطق مجاور، دومین مرکز در محله طلاب تأسیس شد. «انجمن حامی» با هدف جذب کودکان مهاجر بازمانده از تحصیل، سال ۱۳۸۷ در مشهد آغاز به کار کرد.

دفاع حمایت از مهاجران فعال است

مسایگی

حضور یافتند و حتی مسئولان رده در باره آن‌ها شدند. آمدند، با غم دوری از وطنی که‌هایی کشیدند، ولی خیلی‌ها ایشان‌ند و با همه ناملابمات نشان دادند

ضمن اینکه سپاهی از آن‌ها در دفاع از حریم حرم‌های مقدس عراق و سوریه «فاطمیون» لقب گرفتند. عده زیادی از آن‌ها مهندس، دکتر، هنرمند، نخبه و ورزش‌کارو... شدند. ما از این همسایه‌ها در منطقه‌مان کم نداریم و اصلا از مناطق مهاجرخیز مشهد هستیم و به همین علت انجمنی برای حمایت از آن‌ها در این محدوده پا گرفته است.

● به دنبال آرامش برای مهاجران

وی ادامه می‌دهد: «اجرای این برنامه نیازها را مشخص می‌کرد. به طوری که بچه‌ها اعلام کردند، مراکز اجتماعی و کلینیک روان‌شناسی مطابق نیاز افغانستانی‌های مقیم ایران نداریم و به فکر افتتاح مراکز خدمات اجتماعی افتادیم که کار اصلی‌اش مشاوره‌دادن به‌صورت رایگان است. خانواده‌ها به این خدمات هم مانند تحصیل ابتدا اهمیت نمی‌دادند و دوباره مانعی سر راه ما بود.

۷۰نخبه افغانستانی را در تهران، قم، مشهد و کرمان شناسایی کردیم و کلاس‌های مهارت‌های زندگی، بهداشت و خانواده گذاشتیم. مربی‌ها هم از استادان دانشگاه شهید بهشتی بودند. آن‌ها در ۳مرحله مهارت اجتماعی و کنترل خشم آموزش دیدند. گواهی پایان دوره ایشان را منوط به انتقال آموزه‌هایشان به خانواده‌های مهاجر دانستیم و هر فرد که بیش از ۵۰۰نفر را آموزش داد، گواهی نامه‌اش را گرفت.»



آقایانی بودند که اول موضع می‌گرفتند یا خانم‌هایی که می‌گفتند مگر من دیوانه‌ام که به مشاور مراجعه کنم، اما دل‌سرد نشدیم. یادم هست ۲۰جلسه برگزار کردیم تا آن‌ها را قانع کنند که از مشاوره کمک بگیرند و خدا را شکر در این زمینه هم موفق شدیم. یک‌روز در هفته مشاوره حقوقی داریم. کارشناسان ما از وکلای پایه‌یک دادگستری هستند. علاوه بر این‌ها خیلی از خانم‌ها دغدغه اشتغال سالم داشتند.

قبلا در کارگاه‌های دیگر آن‌ها را با حقوق کم و ساعات کاری زیاد استثمار می‌کردند، ولی ما برای آن‌ها کارگاهی راه‌اندازی کردیم. کارگاه زیرزمینی متروکه حدود ۱۵۰متر بود که سال ۹۷ با چرخ‌راه‌اندازی شد و خدا را شکر جدا از بحث مرز و قومیت خیران در این زمینه به ما کمک می‌کنند و اکنون حدود ۱۰چرخ داریم. می‌خواهم بگویم خیلی از مشکلات در این حوزه حل و فصل شده است، اما آمار جمعیتی این گروه آن‌قدر زیاد است که باز هم نیاز به فعالیت‌های فرهنگی و مشاوره‌ای را ایجاب می‌کند.»

● روایت زندگی مهاجری با رتبه‌های جهانی

در ادامه با گلناز ابراهیمی از جوانان موفق مهاجر هم‌کلام می‌شویم. دختر جوانی که توانسته است به موفقیت‌های استانی، کشوری و حتی جهانی زیادی برسد. «جنگ تجربه تلخی برای ما مردم افغانستان است، آوارگی، در بدری و از همه بدتر درد دوری.»

او بیان این مطلب ادامه می‌دهد: «۳۰سال قبل با شلوغی‌ها و آشوب‌های افغانستان پدر و مادرم همراه با خانواده‌هایشان به اجبار به ایران پناه آوردند و در مشهد ساکن شدند. پدر و مادرم دختر خاله و پسر خاله هستند و در همین مشهد ازدواج کردند و تشکیل خانواده دادند. برگه تردد معتبر داشتند و برای ماندنشان مشکلی نبود.

من در همین شهر متولد شدم. کلاس اول را در مدرسه دولتی مهیار محله طلاب گذراندم، بعد از قبولی در این پایه براساس قانون پی‌ریزی شده مقرر شد برای ثبت‌نام خانواده‌های مهاجری مثل ما هزینه دریافت کنند. ۱۰برادر و خواهر بودیم و بیشتر محصل. مشکلات معیشتی و اقتصادی در یک کشور غریبه خیلی زیاد بود و به همین علت پدر و مادرم تصمیم گرفتند دوباره به کشور خودمان بازگردیم و بار سفر را بستیم و دوباره راهی هرات شدیم.»

ابراهیمی می‌افزاید: «چندسال آنجا بودیم و من تا کلاس سوم درسم را ادامه دادم. همه اقوام در جه یک ما در ایران بودند. پدر و مادرم احساس غربت می‌کردند، این موضوع باعث شد دوباره به ایران و کنار اقوام بازگردیم. با این تفاوت که این بار کارت تردد نداشتیم و در مدارس دولتی ثبت‌ناممان نمی‌کردند. در تمام دوران تحصیل جزو ممتازهای مدرسه بودم و با این همه علاقه و پیشرفت، برایم سخت بود که از تحصیل باز بمانم تا اینکه از طریق دوستی با «انجمن حامی» آشنا شدم و بعد پرس‌وجو و تحقیق موفق شدم در مجموعه آموزشی این مرکز ثبت‌نام کنم.

این موضوع خیلی باعث خوش‌حالی بود و بعد از یک وقفه کوتاه در دوران تحصیل با اشتیاق درس‌ها را ادامه می‌دادم. یکی از امتیازات مجموعه این بود که دوستان و هم‌کلاسی‌ها هم وطن من بودند و بسیار دوری و غربت آشنا بودند. این‌طور راحت‌تر می‌توانستیم همدیگر را بفهمیم، موضوعی که باعث آرامش و پیشرفت تحصیلی من بود.»

او ادامه می‌دهد: «یادم هست با معدل بالا کلاس‌ها را یکی بعد از دیگری پشت سر می‌گذاشتم. قبولی با معدل بالا باعث ادامه تحصیل در مدرسه دولتی شد. البته آزمون ورودی گذاشته بودند که با موفقیت آن را پشت سر گذاشتم.

یادم هست سال اول راهنمایی المپیادی در مدرسه ما برگزار شد، من در آن المپیاد رتبه برتر را برای ادامه تحصیل در مدارس نمونه دولتی ایران به‌دست آوردم، اما متأسفانه با توجه به مهاجر بودنمان این امکان فراهم نشد.

در دوران متوسطه معدل من ۱۹ و ۲۰ بود. در هنر و موسیقی هم فعال بودم و به ورزش هم به‌شدت علاقه داشتم، به‌ویژه قایقرانی و با تمریناتی که داشتم به‌عنوان سرپرست تیم قایقرانی انتخاب شدم و سال سوم متوسطه هم در جشنواره جهانی موسیقی سنتی دوتار موفق به کسب مقام اول شدم.

اکنون هم دانشجوی رشته مامایی هستم و نیمی از موفقیت‌هایم را مرهون تلاش و ایستادگی در برابر شرایط سخت زندگی می‌دانم و نیم دیگر را به‌واسطه نوع دوستی و مهربانی مردم و ملتی که هوای ما را در روزهای سخت داشتند و کمک‌مان کردند به خودباوری برسیم و اینکه ما هم می‌توانیم آینده روشنی داشته باشیم.»

● خدمت به مهاجران در کشور دوست

الهام اقراری دانشجوی دکترای روان‌شناسی است و ۵سال از همکاری‌اش با این مجموعه می‌گذرد. او می‌گوید: «سال ۹۳ مصاحبه‌ای برای گزینش مسئول مرکز مشاوره انجمن حامی برگزار شد و من در این مصاحبه پذیرفته شدم و به‌عنوان مشاور در خدمت مهاجران هستم.»

وی ادامه می‌دهد: «با توجه به شرایط سختی که برخی از خانواده‌ها پشت سر گذاشته‌اند و زندگی در یک کشور غریبه، مشکلات آن‌ها خیلی زیاد است که مهم‌ترین آن‌ها نداشتن خودباوری و اعتمادبه‌نفس است. با این حال علاوه بر مشاوره کلاس‌های مهارتی مختلفی برای آن‌ها گذاشته شده است که برخی از مشکلاتشان را حل و فصل می‌کند.»

او مهاجر نیست، با این همه به خوبی در کنار و همراه با آن‌هاست و می‌گوید: «خوش‌حالم که فارغ از نژاد و ملیت و مذهب می‌توانم به این‌ها خدمت کنم.

خوش‌حالم که فارغ از نژاد و ملیت و مذهب می‌توانم به این‌ها خدمت کنم

همیشه خودم را جای یکی از آن‌ها می‌گذارم که مجبور هستم در کشوری بیگانه زندگی کنم و چقدر به یک هم‌صحبت و محرم احتیاج دارم.»

از این دست افراد در مرکز حامی طلاب کم نیستند. طیبه حسین‌زاده که از سال ۶۴ به ایران آمده است و تحصیلاتش را در مقطع کاردانی و رشته تربیت‌بدنی در هرات به پایان رسانده است، بعد از گذراندن یک دوره آموزشی مشغول تدریس در کلاس‌های نهضت سوادآموزی شد و از سال ۸۸ هم به جمع خدمتگزاران «انجمن حامی» پیوسته است و فعالیت‌های گسترده‌ای را در این مرکز دنبال می‌کند.

● رونق تولید

«انجمن حامی» این روزها با رونقی که به کار تولید داده است، در حال انجام دوخت کیسه‌های خرید برای استفاده به‌جای پلاستیک است که گروهی از بانوان با شعار «نه به پلاستیک» آن را می‌دهند و بازار خیلی خوبی در مشهد و در تهران و دیگر شهرها پیدا کرده است. ■



دانش آموزان برای افتتاح بزرگ‌ترین مجموعه ورزشی محله لحظه‌شماری می‌کنند

شمارش معکوس برای ورزشگاه «بابک مروج»

هم محلی

خودش توضیح می‌دهد: «معمولا وقتی حرف از آموزش و پرورش می‌شود، بیشتر احداث مدرسه به نظر می‌آید تا موضوع دیگری، اما پنا به تحقیقاتی که کردم، متوجه شدم حوزه آموزش ما ضعف جایگاه ورزشی دارد و این ساختار باید قوت می‌گرفت و به همین علت در این مسیر گام گذاشتم تا سالن‌های ورزشی در نواحی مختلف آموزش و پرورش پانگیرد. آموزش و پرورش زمین را در اختیار می‌گذاشت و تصمیم گرفت تمام سالن‌ها به یک سبک و با یک مواد و با استانداردهای به‌روز ساخته شود و در یک برنامه ویژه قرار به بهره‌برداری شان است.»

● ورزشگاهی کنار ۲۶ مدرسه

او ادامه می‌دهد: «آموزش و پرورش ناحیه ۵ هم به دنبال خیریه برای ایجاد مجموعه ورزشی بود و چند نقطه از این منطقه پیشنهاد شد و شروع به بررسی شرایط آن‌ها کردم. با توجه به اینکه ۲۶ مدرسه در یک محدوده قرار دارد و به‌نظم این موضوع در کشور بی‌مانند است، تصمیم گرفتم محل ایجاد ورزشگاه این نقطه باشد. این ورزشگاه قبل از این با عنوان «امید انقلاب» مجموعه‌ای آموزشی برای دوره راهنمایی پسران بوده است. با توجه به قدمت و فرسودگی مدرسه و اینکه گفته می‌شد بیش از ۳۰ سال از احداث آن می‌گذرد و همچنین نظر به اینکه سالن شهید باهنر مقابل این مجموعه کوچک است و استانداردهای لازم را ندارد، قرار به تخریب فضای آموزشی شد. «امید انقلاب» به ساختمان مجاور انتقال یافت و ساخت این مجموعه در ۱۸۰۰ متر مربع از تابستان گذشته شروع شد و همان‌طور که گفتم با جدیدترین سازه‌ها آماده‌سازی شده است و رشد فیزیکی خوبی هم دارد.»

● هدیه‌ای که پسران به من داد

مهندس مروج توضیح می‌دهد: «اولویت را برای دانش آموزان گذاشته‌ایم، در حالی که با توجه به ظرفیتی که برای ورزش‌های توپی مانند فوتبال، والیبال و بسکتبال دارد، تیم‌های ورزشی دانش‌آموزی می‌توانند از آن استفاده کنند. هر چند قرار به بهره‌برداری در بهمن ماه امسال بود، اما با توجه به اینکه انشعابات آب و برق و گاز و سامانه گرمایشی و سرمایشی آن نیز باید از طریق آموزش و پرورش پیگیری شود، افتتاح آن به تعویق افتاده است.»

لبخند کسش داری روی صورتش نقش می‌بندد، وقتی تعریف می‌کند: «قبل از این هم مجموعه ورزشی ساخته‌ام، این هدیه‌ای است که پسران به من داد. ۲۰ سال است از تاریخ رفتن او می‌گذرد و خوش‌حالم قهرمان‌های زیادی جای بابک را گرفته‌اند. کسانی که از باشگاه‌هایی مانند این به مقام‌های بالا رسیده‌اند و افتخار آفرین شده‌اند.»

هیجان در صورت پسرک نه‌ساله موج می‌زند. لحن صدایش را شبیه مجری‌های ورزشی تلویزیون می‌کند و با کشیدن برخی از حرف‌ها مثل آن‌ها می‌گوید «چه می‌کنه این بازیکن» و بعد کلامش را ختم می‌کند به «یک گل جانانه».

هنگام گزارش از بازی فوتبال چشم‌هایش برق می‌زند. شبیه حال و هوای آن‌هایی که بازی‌های جام جهانی مقابل غول‌های

۵۸

فرمانی‌کیا

بزرگ فوتبال و فوتسال را گزارش می‌کنند.

علی اسماعیلی، دانش‌آموز محله وحید، می‌گوید: «اینجا خیلی دوست دارم، به دلیل اینکه تیم فوتبال زیاد داریم. از زمانی که شنیده‌ایم این مجموعه قرار است شروع به فعالیت کند، لحظه‌شماری می‌کنیم تا ورزشگاه «بابک مروج» باز شود.»

با اشتیاق تعریف می‌کند: «بازیکن خوبی هستم، شبیه خداداد عزیز، من و هم‌تیمی‌هایم در مدرسه خوب گل می‌زنیم. باید بیایید ببینید.»

و بعد مستأصل می‌پرسد: «تمام کارهای ورزشگاه انجام شده است، پس چرا افتتاح نمی‌شود؟»

این پرسش بیشتر دانش‌آموزان پسر این حوالی هست که بعد از مدرسه سرکی به ورزشگاه می‌کشند تا ببینند کارها تا کجا پیش رفته است.

از همان شروع کار انتظار به پایان رسیدن آن را داشته‌اند و دارند. کم و بیش به این حوالی که پر از مدرسه است، می‌آید مجموعه‌ای پسرانه بدون تیم ورزشی باشد. مشتاق هستند در کوچه و خیابان هم مقابل دیدگان هواداران هنرشان را با توپ فوتبال به رخ همدیگر بکشند. مهندس مروج زمانی که برای راه‌اندازی مجموعه‌ای ورزشی به نام «بابک» پسر مرحومش پاپیش گذاشت، می‌دانست اجتماع همان اندازه که به آدم‌های مهم و فیزیکی‌دان‌ها نیاز دارد، نیازمند ورزش‌کاران قدر هم هست.

● مروج نیکوکاری

بیشتر او را به نام «مروج نیکوکاری» می‌شناسند. بازی روزگار و تقدیر باعث یک اتفاق تلخ در مسیر زندگی‌اش می‌شود و طعم روزهای میان‌سال‌اش را گس می‌کند. مرگ بابک هنوز هم باورکردنی نیست، اما نمی‌گذارد از تب و تاب بیندازد و انگیزه‌ای برای گام گذاشتن در مسیر تازه می‌شود.

اشتیاق درباره حرف‌زدن از ساخت سالن‌های ورزشی آن‌قدر زیاد است که واداران می‌کند بپرسیم چطور دل‌تان رضایت می‌دهد این همه پول را خرج آسایش دیگران کنید؟



باتوجه

به اینکه

۲۶مدرسه

در یک محدود

قرار دارد،

تصمیم گرفتیم

محل ورزشگاه

این نقطه باشد



روایتی از آماده باش نیروهای خدمات شهری در زمستان

زندگی نارنجی پوش ها در سرمای صفر درجه

در محله

۵۹

فاطمه سیرجانی

غافلگیری و هیجان انگیزی اش برای ماست، وقتی بخار لیوان چایمان با رطوبت نشسته بر شیشه اتاق یکی می شود و از پشت پنجره ریش برف را تماشایی ترمی کند. دل چسبی برف برای ماست، وقتی لبوی داغ را مزه مزه می کنیم و برای درست کردن آدم برفی نقشه می کشیم. هوا هر چه سردتر، دل چسب تر، اما خیلی از آدم هایی که شاید هر روزی تفاوت از کنارشان می گذریم، در نیمه شب های سرد برفی از خوابشان می زند تا کوجه های محله ما برای قدم زدن های ما تمیز و ایمن باشد.

نارنجی پوشان زحمت کش و بی ادعایی که در شلوغی کارهایمان از آن ها غافلیم و نمی دانیم یک لیوان چای داغ در این هوای سرد چقدر می تواند خستگی را از تن آن ها بگیرد.



آماده باش از بامداد تا شب

نوبتی هم که باشند نوبت ساکنان محدوده ابوریحان است. قرار است یک نیم روز در این محله بیل بزنند و یخ و برف فشرده و چسبیده بر روی موزیک های کف پیاده و ها را جدا و آنجا را برای تردد ما ایمن کنند. اهل گفت و گو و معرفی خودشان نیستند، به سختی قبول می کنند حرف بزنند، اما بی هیچ نام و نشانی.

محمد ۴۵ سال بیشتر ندارد، اما چهره اش خسته تر و شکسته تر از سن شناسنامه اش است. می گوید: «حدود ۵ سال قبل وارد این حرفه شدم، بیکار بودم. به هر دری زدم، کاری که بیمه داشته باشد برایم نبود. تا اینکه شنیدم خدمات شهری شهرداری مشهد نیرو می گیرد. بی هیچ تردیدی وارد این کار شدم. در مناطق مختلف کار کرده ام، اما بیشتر در این منطقه بوده ام. خودم ساکن گلبودر انتهای گلشهر هستم. ساعت کاری ما ۳ بامداد تا ۱۱ صبح است. هر روز در تاریکی هوا از خانه بیرون می زنم. اوایل که خودم و ندا ششم ساعت ۲ از خانه بیرون می زدم و پای پیاده تا محل کارم می آمدم.»

او توضیح می دهد: «زمانی که برف یا بارندگی های شدید باشد، تمام نیروها در آماده باش کامل هستند. بارندگی ها آب افتادگی خانه ها و زیر پل ها را به دنبال دارد و به همین علت معمولاً کار ما از همان ۳ بامداد شروع می شود و تا ۷ شب ادامه دارد. در زمان بارش برف هم رفع یخ بندان و لغزندگی کوچه و خیابان بردوش ماست.»

در برف ها خوابم برد

او به برف سنگین چند سال قبل اشاره می کند که برایش خاطر هساز شده است: «برف شدیدی آمده بود، همه مادر آماده باش بودیم. از ساعت ۲ بامداد تا ۸ شب بیرون از خانه بودم. نمک پاشی، برف و یخ روی پیاده و ها... آن قدر خسته ام کرده بود که توان ز راه رفتن نداشتم. بادم هست شب سوم یا چهارم بود که جلو همین بیمارستان هاشمی نژاد از شدت خستگی و سرمای شدید خوابم برد و روی زمین افتادم.»

مهربانی بی دریغ برخی اهالی دل گر می اش را به کار بیشتر می کند. وقتی می خواهد از این موضوع حرف بزند، لبخند به لبش می آید: «در این ۱۵ سال که در این حرفه هستم، یک بار نشد در خانه ای را بزنم و لیوانی آب بخواهم، اما وقتی می بینم برخی همسایه های لیوانی چای داغ می آورند، خستگی از تنم گرفته می شود و به ادامه کار دل گرم می شوم.»

نقش پلیس راهم داریم

رسول یکی دیگر از زحمت کشان شهر است که او هم از

نیمه شب تا وسط روز کارش نظافت و تمیزی کوچه و محله ماست. ساعت کاری او هم مثل محمد است. از ۲ بامداد تا ۱۱ صبح.

با اینکه هوا به شدت سرد است، اما عرق پیشانی اش را برق انداخته و از کنار شقیقه ها شیاری کشیده است. او سختی این کار را یک سمت ماجرا می داند و ایمنی را موضوع مهم دیگر: «کار ما از نیمه شب شروع می شود. درست است لباسمان شریک است، اما راننده هایی که در آن ساعت شب در خیابان تردد می کنند، معمولاً با سرعت بالا رانندگی می کنند و این موضوع جان ما را تهدید می کند.»

رسول با خنده می گوید: «نه اینکه فکر کنید کار ما تنها رفت و روب است، نه. ما نقش پلیس محله را هم داریم.» سپس ماجراهایی را تعریف می کند که چندبار سارقانی را گرفته اند.

رسیدن به موقع به محل کار و نبود وسیله شخصی و عمومی در آن ساعت شب از دغدغه های بزرگ بیشتر نیروهای خدمات شهری است و رسول هم می گوید: «منزل مادر خیابان چمن است، برای رفت و آمد راحت موتور خریدم. متأسفانه ۲ بار موتورها را با آنکه قفل و زنجیر هم داشتند، دزدیدند. دست آخر بایکی از نگهبان های بیمارستانی صحبت کردم و او قبول کرد ساعت ۳ تا ۳:۰۶ صبح موتورم در محوطه بیمارستان باشد.»

ما راهم از خودتان بدانید

او همان طور که با بیل به برف های سخت ضربه می زند، می گوید: «ساعت اولیه بارش برف، نمک پاشی خیابان ها و بازگشایی مسیرهای اصلی در اولویت کار ما قرار دارد. تقاضایی که از مردم خوب محله دارم این است که همان اول که برف به زمین نشسته و نرم است، با پارواهی مقابل منزل خود باز کنند. ایسن کار زحمت زیادی برای آن ها ندارد، اما اگر بماند و برف پا بخورد و فشرده شود، در ساعات پایانی روز و شب به یخ تبدیل می شود. آن وقت جدا کردن آن سخت و زمان بر می شود.»

گله ای از برخی شهر و ندان دارد که گاهی دلش را به دردمی آورد، اما مجبور است تحمل کند: «کار ما ساخت است، اما نه به سختی زمانی که فردی کیسه زباله را از طبقه چهارم به پایین پرت می کند و اعتراض هم که می کنیم، می گوید «وظیفه ات جمع کردن است.» حرف ناحق می گوید و کارش ظلم آشکار است، مجبوریم خم شویم و زباله هایی که روی زمین پخش شده است را جمع کنیم، اما در مقابل کسانی هم هستند که مهربان اند، زمستان استکان چای به دستمان می دهند و تابستان لیوانی شربت. خدا خیرشان بدهد.»

آی خبر

در دومین نشست

اعضای شورای اجتماعی محله شهید قربانی مصوب شد

حمایت از فعالیت های آموزشی مسجد صاحب الزمان (عج)

سیرجانی / حمایت از فعالیت های آموزشی شکل گرفته در مسجد صاحب الزمان (عج) تنها مصوبه جلسه شورای اجتماعی محله قربانی بود.

زهره جهان شیر، دبیر جلسه، در جلسه گذشته شورای اجتماعی محله شهید قربانی که در ناحیه ۳ شهرداری برگزار شد، با تأکید بر تشکیل هر چه سریع تر کارگروه ها و مشخص شدن اعضای آن به ظرفیت محله که شامل افراد تحصیل کرده، نخبه، هنرمند و... می شود، اشاره کرد و گفت: علاوه بر شورای اجتماعی این افراد توانایی های هر محله هستند که با توجه به عرق و دل سوزی ای که برای محله خودشان دارند، می توان از پیشنهادها و تجربه های آن ها استفاده کرد.

در ادامه این نشست نماینده شکل ها با بیان اینکه از مدتی قبل به دنبال اجرای طرحی اقدام به شناسایی دانش آموزان نخبه محله کرده ایم، گفت: دکتر روحانی یکی از جوانان مستعد و نخبه است که با توجه به تعصبی که به زادگاه خود دارد، بعد از پایان تحصیل به کشور برگشته است و فعالیت های خود را در این محله دنبال می کند.

کاظم کاظم زاده یادآور شد: با همکاری این فرد دانش آموزان مستعد شناسایی شده اند و آموزش ریاضی، زبان انگلیسی، عربی، رایانه و... در این مجموعه دنبال می شود، در حالی که فضای آموزشی مهیا شده است. جهان شیر اظهار کرد: با توجه به اهمیت مبحث آموزش به ویژه دانش آموزان نخبه و مستعد، در صورت موافقت اعضای حاضر در جلسه پیشنهاد حمایت مالی از برنامه آموزشی مسجد صاحب الزمان (عج) مصوب می شود.

محمد رضا بزرنبویی، نماینده مساجد، نیز به برنامه های مناسبتی دهه دوم فاطمیه اشاره کرد و افزود: مسجد النبی (ص) یکی از مجموعه های فعال در زمینه برنامه های فرهنگی و برپایی مراسم عزاداری است. با توجه به شرایط فعلی اقتصادی اگر بتوانیم از مشارکت های شورادر برگزاری این مراسم بهره مند شویم، کمک بزرگی به ما می شود.

دبیر شورادر پاسخ به این درخواست با ارائه توضیحاتی در رابطه با حمایت مالی به مساجد در قالب طرح های مشارکتی گفت: اعتبار ۵ میلیون ریالی برای انجام برنامه های مناسبتی (فرهنگی، آموزشی و...) در نظر گرفته شده است. متقاضیان می توانند با نامه ای که در آن شرح انجام فعالیت ها و برنامه ها آمده است، اقدام کنند.



مراکز نیکوکاری محله برای سیل زدگان سیستان بسیج شده اند

شتاب امداد رسانی

مساجد و مراکز نیکوکاری منطقه آماده کمک رسانی به شهرهای سیل زده استان سیستان و بلوچستان شدند.

به گزارش شهردار آمحله، در آغاز فصل زمستان و سرمای هوا و با توجه به گرفتاری هم وطنان ما در استان سیستان و بلوچستان و شهرهای وابسته به حادثه سیل و آب گرفتگی در معابر شهری که باعث تخریب و آسیب دیدگی به منازل و محل های سکونت افراد شده است، نیکوکاران زیادی برای کمک به این شهرها اعلام آمادگی کرده اند.

در همین رابطه مرکز نیکوکاری بیت العباس در بزرگراه بابانظر ۶ و مسجد امام جعفر صادق (ع) در خیابان نبوت ۳۹ و تعدادی از مساجد محله نیز در فکر تهیه بسته حمایتی کمک به هم وطنان آسیب دیده استان در حادثه گذشته هستند که همراهی همیشگی نیکوکاران باعث تسریع در انجام کار است.

نیکوکاران و شهروندانی که قصد کمک به صورت نقدی و غیر نقدی دارند، می توانند به مساجد و مراکز نیکوکاری محله خود مراجعه کنند و از این طریق و به صورت منسجم کمک های خود را به دست هم وطنان برسانند.

محلات منطقه ما: طلاب، گلشور، انبار، تلگرد و حید، بسوذر، میثم شمالی، پنجن، شهید قربانی پنچ تن آبا

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: شهرآرامحله: مجید خرمی
سردبیر: شهرآرامحله: رضا سلیمان نوری
دبیر منطقه: معصومه فرمانی کیا
مدیر منطقه: شهرآرامحله: مهرداد عبدلی
تلفن دفتر شهرآرامحله منطقه: ۳۲۷۰۰۹۲۸

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۰۵
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرامحله: میدان شهدا
نیش دانشگاه یک

دفتر شهرآرامحله منطقه ۴: انتهای ابوریحان
مقابل بیمارستان هاشمی نژاد
پست الکترونیک: shahrara.4@mahalle4@shahrara.ir
کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

آخرین خبر



۱۱

پیشنهاد بوستان زیتون برای برپایی خیابان غذا

شهردار منطقه ما از بوستان زیتون به عنوان مکانی با ظرفیت‌های لازم برای برپایی خیابان غذا نام برد.

غلامرضا غلامی گفت: این بوستان در مجاورت بازارهای فردوسی با ۱۶ هزار متر مربع وسعت و ۳ ورودی در ضلع‌های مختلف آن است و پارکینگ بزرگ در مجاورت آن قرار دارد و دارای فضای مناسبی برای برگزاری رویدادهای فرهنگی است.

وی با اشاره به اینکه براساس پیشنهاد مشاور طرح در یکی از ورودی‌های این بوستان خیابان غذا ایجاد می‌شود و در مسیرهای دیگر غرفه‌های مختلف با موضوعات فرهنگی، هنری، تفریحی و... برای شهروندان فعال خواهد بود، ادامه داد: در ارائه این پیشنهاد از تجارب سایر کشورها و نمونه‌های داخلی همچون خیابان غذا در تهران و در بولوار خیام مشهد و... استفاده شده است و تفاوت این طرح با نمونه‌های دیگر پیش‌بینی ماندگاری بالاتر این رویداد فرهنگی است.

غلامی یادآور شد: با تأیید این طرح و جانمایی فضاهای تفریحی در این بوستان محیطی مفرح برای حضور خانواده‌ها فراهم می‌شود.



۱۲

تعریض پل کشفرو در دست اقدام

شهردار منطقه از پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصدی عملیات اجرایی تعریض پل کشفرو در راستای ایمن‌سازی مسیر دسترسی جمعه‌بازار خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، غلامرضا غلامی گفت: مسیر دسترسی به جمعه‌بازار شهید شوشتری از میدان پنجن تا این بازار ۲ کیلومتر است که به دلیل عرض کم و سطح نامناسب احتیاج به تعریض و بهسازی دارد.

وی با اشاره به این موضوع که پروژه تعریض در ۶ ماه اول امسال اجرا شد و با اعتبار ۴۰ میلیارد ریال در حال انجام است، تصریح کرد: پل دیگری به فاصله ۲ متری کنار پل موجود طراحی شده است که شامل مسیر سواره‌رو و یک خط اضطراری است. غلامی افزود: جمعه‌بازار شهید شوشتری بازاری با ۱۲ هکتار وسعت شامل ۶ هکتار بازار و ۶ هکتار پارکینگ و امکاناتی از قبیل سرویس بهداشتی، نمازخانه و سازه‌های غرفه‌ای است که اردیبهشت‌ماه سال گذشته افتتاح شد.

شهردار منطقه گفت: علاوه بر اجرای این پروژه عملیات اتصال مسیر دسترسی جاده ابلق به کمر بند شمالی مشهد در حال پیگیری است.



۱۳

تخلیه ۴ تن ضایعات از ۴ انبار

۴ انبار ضایعات پنجن با حکم دادستانی و همکاری کلانتری این محدوده پلمب و تخلیه شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، معاون اجرایی شهردار منطقه با اشاره به این موضوع که برای جلوگیری از آلودگی‌های بهداشتی و زیست‌محیطی، شناسایی و پلمب انبارهای ضایعات منطقه به‌ویژه در بافت مسکونی به‌صورت جدی پیگیری می‌شود، گفت: هفته گذشته ۴ تن ضایعات از این انبارها جمع‌آوری و به سازمان پسماند تحویل داده شده است.

مهندس قربانزاده ادامه داد: از ابتدای امسال ضمن شناسایی انبارهای ضایعات از طریق گشت‌زنی و گزارش‌های مردمی ۴۸ انبار ضایعات ضمن صدور اخطار به استناد بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها تخلیه و پلمب شد که ۷ انبار در منازل مسکونی بود و باتوجه به حجم زیاد ضایعات در این مکان‌ها و ایجاد آلودگی و مشکلات بهداشتی برای شهروندان، براساس دستور مقام قضایی منازل به سرعت تخلیه شدند. وی از شهروندان خواست در صورت مشاهده انبارهای نگهداری ضایعات به مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ اطلاع‌رسانی کنند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۰ و پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

تعمیر نازل‌های پمپ گاز

صدیقان: تعدادی از نازل‌های پمپ گاز بزرگراه بابانظر-جنب بوستان سیج-خراب است، لطفاً آن‌ها را تعمیر کنید.

پاسخ ۱۳۷: طی بازدید به عمل آمده اکنون تمامی نازل‌ها فعال هستند.

سد معبر جلو منزل

نخعی: مالک یکی از ساختمان‌ها در شیخ طوسی شمالی، حدفاصل ۳۰ و ۳۲-کوچه ۶متری- اقدام به دیو مصالح ساختمانی در معبر جلو منزل خود کرده است، لطفاً در این باره به مالک گوشزد کنید.

پاسخ ۱۳۷: اخطاریه اولیه صادر شد، در صورت جمع‌آوری نکردن در مهلت معین، عوامل شهرداری محل را پاک‌سازی می‌کنند و هزینه در سامانه ثبت می‌شود.

پوشاندن دهانه چوپیه

قنبری: دهانه جوی عرضی ورودی معبر طبری شمالی ۱۷، خدانشناس ۲، کوچه اول سمت راست زیاد است و لاستیک خودروها داخل جوی می‌افتد. لطفاً به اصلاح دهانه جوی یا پوشاندن روی آن اقدام کنید.

پاسخ ۱۳۷: با توجه به بازدید انجام شده امکان سرپوشیده کردن چوپیه عرضی یادشده وجود ندارد، اما دهانه چوپیه در نهایت در ۲۰ روز آینده در صورت مساعدبودن شرایط آب‌وهوا اصلاح خواهد شد.



مردمک

همیشه به بهار نیست گاهی زمستان هم می‌تواند خوشبختی زندگی را کامل کند

دفتر شهرآرامحله
ابوریحان

۱۴

فاطمه سیرجانی

